

طریق عدالت

(درس سی ام)

LESSON 30

THE WAY OF RIGHTEOUSNESS

ملاقات موسی با خدا

MOSES MEETS GOD

خروج ۳، ۴

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در درس گذشته دیدیم که فرعون، پادشاه مصر، بر فرزندان ابراهیم، اسرائیلیان ظلم می‌کرد، و آنها را برده خود ساخته بود و از آنها بیگاری می‌کشید. باینحال در کتاب خروج می‌خوانیم: «لیکن چندانکه بیشتر ایشان را ذلیل ساختند، زیادتیر متزاید و منتشر می‌شدند.» (خروج ۱: ۱۲) سرانجام فرعون فرمانی صادر کرد که طبق آن هر نوزاد پسری که به دنیا می‌آمد باید به دریا انداخته می‌شد.

باینحال خدا که بسیار قوی‌تر از شیطان است، برای خنثی کردن اعمال فرعون نقشه‌ای داشت. پس می‌خوانیم که دختر فرعون نوزاد اسرائیلی را که در سبدی بر روی رودخانه شناور بود به می‌گیرد. دل دختر فرعون برای او بسوخت و او را به فرزندی قبول کرده و نام موسی را بر وی گذاشت. از این رو، موسی در خانه فرعون برگ شد، همان کسی که می‌خواست قوم اسرائیل را نابود کند! خدا، بر طبق حکمت خود، خواست تا از موسی برای رهایی قوم اسرائیل از چنگال پادشاه شریر استفاده کند. هنگامی که موسی چهل ساله بود، او از دست فرعون که می‌خواست او را بکشد فرار کرد. موسی به مدت چهل سال در بیابان زندگی کرد، و در آنجا ازدواج کرد و گله پدربزرگ خود را شبانی می‌کرد.

حال، بیایید ادامه داستان موسی را بخوانیم و ببینیم که چگونه خدا خود را بر موسی آشکار کرد تا او را به نزد فرعون بفرستد و او قوم اسرائیل را از مصر بیرون بیاورد. از تورات، کتاب خروج باب سه برایتان قرائت می‌کنیم:

و اما موسی گله پدر زن خود بیرون، کاهن مدیانی را شبانی می‌کرد، و گله را بدان طرف صحرا راند و به حوریب که جبل‌الله باشد آمد. و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌ای بر وی ظاهر شد، و چون نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی‌شود. و موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم، و این امر غریب را ببینم، که بوته چرا سوخته نمی‌شود.» (خروج ۳: ۱-۳)

چون خداوند دید که برای دیدن بدان سو می‌شود، خدا از میان بوته به وی ندا درداد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «لیلیک.» گفت: «بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است.» و گفت: «من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق و خدا یعقوب.» آنگاه موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد و خداوند گفت: «هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم، و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم، زیرا غمهای ایشان را می‌دانم. و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع برآورم، به زمینی که به شیر و شهد جاری است، به مکان کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزیان و حویان و یبوسیان. و الان اینک استغاثه بنی‌اسرائیل نزد من رسیده است، و ظلمی را نیز که مصریان بر ایشان می‌کنند، دیده‌ام. پس اکنون بیا تا تو را نزد فرعون برستم، و قوم من، بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آوری.» (خروج ۳: ۴-۱۰)

موسی به خدا گفت: «من کیستم که نزد فرعون بروم، و بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آورم؟» گفت: «البته با تو خواهم بود. و علامتی که من تو را فرستاده‌ام، این باشد که چون قوم را از مصر بیرون آوردی، خدا را بر این کوه عبادت خواهید کرد.» موسی به خدا گفت: «اینک چون من نزد بنی‌اسرائیل برسم، و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است، و از من بپرسند که نام او چیست، بدیشان چه گویم؟» خدا به موسی گفت: «هستم آنکه هستم.» و گفت: «به بنی‌اسرائیل چنین بگو، یهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب، مرا نزد شما فرستاده، این است نام من ناابدالآباد.» (خروج ۱۱-۱۵)

از آنچه خدا در بوته آتش بر کوه سینا به موسی گفت حداقل چهار چیز در مورد شخصیت خدا می‌توان استنباط کرد:

۱) اول آنکه می‌آموزیم خدا قدوس است! هنگامی که موسی شعله‌های مشتعلی را که از بوته ساطع می‌شد دید، بسیار شگفت‌زده شد، و نزدیک آن شد تا علت را جويا شود، و صدای خدا را شنید که او را صدا می‌کرد. موسی از ترس به خود لرزید، و جرأت نکرد که به آنجا نگاه کند. چرا موسی می‌ترسید؟ زیرا او در حضور خدا ایستاده بود، خدا قدوس! خدا با این عبارت قدوسیت خود را اعلام کرد: ««بدین جا نزدیک میا، نعلین خود را از پایهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است.»

حقیقتاً خدایی که در بوته آتش بر موسی ظاهر شد، خدای قدوس است. خدا می‌خواهد هر کسی به قدوسیت او پی ببرد. کتاب مقدس در مورد فرشتگانی که در حضور خدا می‌ایستند چنین می‌گوید: «شبانه روز باز نمی‌ایستند از گفتن «قدوس قدوس قدوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.» (مکاشفه ۸:۴) فرشتگان به قدوسیت خدا پی برده‌اند. شنوندگان عزیز، آیا به قدوسیت خدا پی برده‌اید؟

بیا بید قدری به این موضوع فکر کنیم که مقصود از قدوسیت چیست. همانگونه که در دروس گذشته دیدیم، قدوسیت خدا باعث شد که آدم و حوا پس از اینکه مرتکب گناه شدند از باغ بهشت اخراج شوند. قدوسیت خدا باعث شد که قربانی قائن پذیرفته نشود. و همچنین قدوسیت خدا بود که باعث شد مردم زمان نوح را با طوفانی عظیم از روی زمین محو سازد. و چندی بعد، خدا تمام زبانهای دنیا را مشوش ساخت، مردم بابل را بر روی تمام زمین پراکنده نمود، همان کسانی که بر علیه خدا شوریده بودند. و در زمان ابراهیم، این قدوسیت خدا بود که باعث شد از بر مردم شهر سدوم از آسمان آتش ببارد، بر سر همان کسانی که از شرارت لذت می‌بردند.

در کمال تأسف مردم روزگار ما، برای قدوسیت خدا احترامی قایل نیستند. آنها نمی‌توانند درک کنند که خدا کیست. آنها به پاکی مطلق او پی نبرده‌اند. و ما این موضوع را می‌توایم در شیوه زندگی مردم و لذتجویی‌های آنها ببینیم. و همچنین می‌بینیم که مردم دنیا به قدوسیت خدا اهمیت نمی‌دهند و مذهب را همچون ردایی بر تن کرده‌اند، اما برای شناخت حقیقت خدا کتاب مقدس را نمی‌خوانند. بسیاری بر حسب عادت نام خدا را بازیچه سخنان خود قرار داده‌اند. آنها نام خدا را به باطل یاد می‌کنند، وقتی می‌گویند: بسمه الله (در نام خدا) و یا انشاء الله (اگر خدا بخواهد) در حالیکه خواست خدا فراتر از ذهن هر بشر است. می‌توان تصور انسانها را در فهم قدوسیت خدا مشاهده کرد، هنگامی که سعی می‌کنند خود را در مقابل خدا عادل و بی‌گناه جلوه دهند و راه عدالتی را که او تعیین کرده است نمی‌پذیرند. برخی گمان می‌برند که می‌توانند با روزه‌های طولانی، دعا‌های توبه، و یا رسم و رسوماتی همچون طهارت و غسل و خود را در مقابل خدا پاک سازند. اما همانگونه که در نوشته‌های انبیا به وضوح خواندیم، چنین اعمال ظاهری نمی‌تواند خدای قدوس را راضی کند، خدایی که می‌خواهد انسان از درون پاک شود. دوستان من خدا قدوس است! به همین علت است که او گفت: «نعلمین خود را از پایبایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است.»

۲) دوم اینکه بر اساس آنچه خدا در بوته آتش به موسی گفت، می‌فهمیم که خدا نه تنها قدوس، بلکه او خدای امین نیز است! آیا شنیدید که خدا در ابتدا به موسی چه گفت؟ او گفت: «من هستم خدای پدیرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق و خدا یعقوب.» (خروج ۳:۶) این عبارت برای دل تمام کسانی که می‌خواهند به خدا نزدیک شوند و از رابطه با او لذت ببرند باعث شادی و خوشحال است. خدا، خدای قدوس کسی است که عهدی با ابراهیم، اسحاق، و یعقوب بست. خدا خدای امین است؛ او هیچگاه دوستان خود را ترک

نخواهد کرد! حتی پس از صدها سال، او آنچه را که به ابراهیم، اسحاق، و یعقوب و فرزندان آنها وعده داده بود فراموش نکرده بود.

شما چطور؟ آیا قدر وفاداری خدا را می‌دانید؟ آیا با خدایی که با ابراهیم، اسحاق، و یعقوب سخن گفت رابطه‌ای نزدیک دارید؟ این برای تمام کسانی که می‌خواهند در این زندگی و زندگی پس از مرگ به خوشبختی حقیقی برسند سؤال بسیار مهمی است. ما از شما نمی‌پرسیم: آیا مذهب دارید؟ زیرا پیروی از قوانین و اصول مذهب هیچکس را در حضور خدا عادل نمی‌گرداند. آنچه ما می‌خواهیم بررسی این است: آیا با خدا رابطه درستی دارید؟ آیا به پیغام راه نجاتی که خدا تعیین کرده است ایمان دارید؟ آیا تا به حال با خود فکر کرده‌اید که داشتن ارتباط با خدا و پیروی از مذهب با یکدیگر فرق دارند؟

امروزه در دنیا هزاران هزار مذهب وجود دارد. به عنوان مثال، صاحب‌نظران می‌گویند تنها در کشور برزیل بیش از چهار هزار مذهب و فرقه گوناگون وجود دارد! چهار هزار مذهب؟! بسیار عجیب است! آیا در آنجا چهار هزار خدا وجود دارد؟ یا چهار هزار راهی که به خدا ختم می‌شود؟ خیر! کتاب مقدس می‌گوید: «زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد.» (۱ تیموتاؤس ۲: ۵) پس چرا امروزه در دنیا بیش از هزاران هزار مذهب و فرقه گوناگون وجود دارد؟ زیرا بسیاری از فرزندان آدم بنیاد راستی‌ای که خدا با ابراهیم، اسحاق و یعقوب پایه‌گذاری کرد نادیده انگاشته‌اند. آنها درباره وعده‌هایی را که خدا در مورد ظهور این میانجی، کسی که به این دنیا خواهد آمد و آدم را از اسارت گناه خواهد رها کند، به ابراهیم و فرزندان او داده بود، نادیده انگاشته‌اند. آنها نمی‌دانند کلام خدا هیچگاه تغییر نمی‌کند. آنها خدای امین را نمی‌شناسند!

۳) هنگامی که خدا در بوته مشتعل بر موسی ظاهر شد، صفت دیگری را نیز بر آشکار کرد. این صفت، رحمت او است. خدا نه تنها قدوس و امین، بلکه رحیم نیز است. به همین خاطر در مورد قوم اسرائیل به موسی گفت،

«هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم، و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم، زیرا غمهای ایشان را می‌دانم. و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع برآورم.» (خروج ۳: ۷، ۸)

چرا خدا قصد داشت قوم اسرائیل را برهاند و به سوی یک سرزمین خوب هدایت کند؟ آیا قوم اسرائیل شایسته چنین رحمتی بودند؟ آیا آنها از دیگر امتهای بهتر بودند؟ نه، آنها شایسته نبودند! پس چرا خدا می‌خواست آنها را برهاند و به آنها برکت دهد؟ تنها به خاطر وفاداری و رحمت خود. همانگونه که کتاب مقدس می‌گوید: «و خدا ناله ایشان را شنید، و خدا عهد خود را با ابراهیم و اسحاق و یعقوب بیاد آورد. و خدا بر بنی اسرائیل نظر کرد و خدا دانست.» (خروج ۲: ۲۴-۲۵) بله، خدا، خدای رحیم است.

۴) سرانجام اینکه می‌توان به یکی دیگر از صفات خدا در داستان بوته مشتعل پی‌برد. شنیدیم که موسی از خدا پرسید نام او چیست؟ آیا می‌شود ذات خدای ازلی را تنها در یک نام بیان کرد؟ این خدا، آنقدر بزرگ، قدوس، امین، و رحیم است که انسان حتی قادر نیست او را با چشم‌های خود ببیند؛ خدایی که همه چیز را خلق کرده است، همه چیز را می‌داند و می‌تواند هر کاری انجام دهد. نام او چیست؟ برخی گمان می‌برند که نام خدا تنها «خدا» است. مسلماً خدا، خدا است. اما با اینحال نام او خدا نیست. من یک انسان هستم اما نام من انسان نیست. هر یک از ما نامی داریم که همه ما را با آن نام می‌شناسند. نام خدا چیست؟ خدا به موسی چه پاسخی داد؟ بیایید دوباره آن را بخوانیم. خدا به موسی گفت:

«هستم آنکه هستم.» و گفت: «به بنی اسرائیل چنین بگو، بیهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب، مرا نزد شما فرستاده، این است نام من ناابدالآباد.» (خروج ۳: ۱۴-۱۵) - در زبان عبری YHWH و در زبان فارسی خداوند.

نام خدا که توصیف‌کننده ذات خداست چیست؟ آیا آن را می‌شنوید؟ نام او: خداوند است! (ازلی) در کتاب مقدس انبیا نامهای بسیاری را به خدا نسبت داده‌اند، اما خداوند بیش از هر نام دیگری به کار رفته است - شش هزار و پانصد بار. خدا، خداوند است، ذات ازلی، «هستم آنکه بودم، هستم، و تا به ابد خواهم بود! او ابدی است! او سرآغازی ندارد. او هیچ محدودیتی ندارد. کسی با او برابر نیست. او کسی است که با قدرت خود وجود دارد! آنچه دیروز بود، امروز نیز است، و تا به ابد همانگونه است. او هیچگاه تغییر نمیدکند. نام او خداوند (ازلی) است!

شنوندگان عزیز، آیا خداوند را می‌شناسید؟ آیا می‌دانید که او قدوس است؟ آیا از اینکه او وفادار است خوشحال نیستید؟ آیا رخت او شامل حال شما نیز شده است؟ آیا به کلام او اعتقاد دارید؟ آیا با خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب ارتباط نزدیکی دارید؟ آیا خدایی را که در بوته آتش با موسی سخن گفت می‌شناسید؟ از اینکه به برنامه ما گوش دادید متشکریم. به یاری خدا در برنامه بعدی داستان موسی را ادامه خواهیم داد و خواهیم دید که خدا چگونه موسی را نزد فرعون، این پادشاه شریر می‌فرستد....

خدا به شما برکت دهد. و به سخنانی که خدا به موسی گفت تفکر کنید:

«من هستم آنکه هستم!... بیهوه خدای پدران شما!..... ، این است نام من ناابدالآباد.» (خروج ۳: ۱۴،

۱۵؛ ۲: ۶)